

خرید دین در نظام بانکی ایران

(تاریخ دریافت: ۲۷ مهر ۱۳۹۶ - تاریخ پذیرش: ۱۷ بهمن ۱۳۹۷)

دکتر مرتضی قاسم‌زاده*

استاد حقوق خصوصی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری

فاطمه فلاح نژاد: دانشجوی دکتری حقوق خصوصی علوم قضایی و خدمات اداری

چکیده:

عقد خرید دین؛ عقدی است که به موجب آن، دین مدت دار بدهکار به کمتر از مبلغ آن توسط مدیون یا شخص ثالث از طلبکار خریداری می‌شود. با وجود اختلاف نظرهایی که درباره وضعیت حقوقی این موضوع وجود دارد، نظر مشهور صحت آن را در بیشتر موارد تأیید می‌کند. اما امروزه گسترده‌گی دیون و معاملات و نیز رواج به کارگیری عقد مزبور در جامعه، وضع قانونی را می‌طلبد که بیانگر جواز، شرایط و آثار آن باشد؛ از این رو در سال ۱۳۸۹ پس از طرح موضوع از جانب شورای فقهی و تعریف خرید دین و کارکردهای آن در نظام بانکی، عقد مزبور در ماده ۹۸ قانون برنامه پنجم توسعه گنجانده و دستورالعمل اجرایی قانون به شرایط صحت عقد خرید دین از قبیل: حقیقی بودن دین، نقدشوندگی دین، معتبر بودن متعهد و... اشاره کرد؛ بنابراین عقد خرید دین یکی از ابزارهای مالی و منبع تأمین اعتبار در حقوق بانکی به شمار می‌رود که می‌توان بعضی از قراردادهای بانکی را در قالب عقد خرید دین منعقد کرد. برخی از مصادیق خرید این عبارت‌اند از: قراردادهای اعتباری یا سپرده‌ها، وام‌های بانکی و قرارداد کارت‌های اعتباری.

کلید واژه ها: حقوق بانکی، خرید دین، قرارداد اعتباری، وام بانکی

مقدمه

مسئله دیون و مطالبات یکی از واقعیت‌های زندگی بشر است و انسان‌ها برای رفع نیازهای خویش گاهی ناگزیر از انجام معاملاتی هستند که پرداخت ما به ازای آن‌ها به‌طور نقد برای ایشان میسر نیست؛ از این رو بسیاری از معاملات افراد مبتنی بر دین بوده و جهان امروز با گستردگی بیشتری از دیون مواجه است. با مراجعه به کتب فقهی نیز می‌توان گفت یکی از معاملات رایج در جزیره العرب که اسلام نیز با شرایطی پذیرفته شده است، خرید دین یا قبول ذمه توسط شخصی ذمه شخص ثالث بوده که با عنوان بیع الدین از آن یاد شده است. نظر مشهور جز در برخی از فروض در مجموع مبتنی بر صحت و جواز آن است و اثر آن انتقال طلب مزبور با همه اوصاف و ویژگی‌های آن از دائن به خریدار است. بدین ترتیب که اگر دین تضمیناتی از قبیل وثیقه، ضامن و... داشته باشد به خریدار منتقل می‌شود.

از سوی دیگر، با گذشت زمان و کاربردی شدن عملیات بانکی این عمل حقوقی در حقوق بانکی جایگاه ویژه‌ای یافته و سال‌ها با عنوان تنزیل اسناد تجاری براساس آیین‌نامه موقت تنزیل مورخ ۲۶ آبان ۱۳۶۱ در میان بانک‌ها و تجار معمول است، اما ضرورت وجود قانونی که بیانگر جواز، شرایط و آثار عقد مزبور و راهگشای بسیاری از معاملات مبتنی بر دین باشد احساس می‌شود. انعقاد این عقد در قالب عقود دیگر به سبب ربوی گشتن که مخالف موازین شرعی است و ایراد گنجاندن آن در زمره عقود مشارکت، مضاربه و فروش‌های اقساطی (بردبار، ۱۳۸۳: ۱۱۲) سبب شد پس از طرح موضوع در شورای فقهی و تشریح کارکرد خرید دین در نظام حقوق بانکی، پیشنهاد اضافه شدن آن به قانون برنامه پنجم توسعه از سوی بانک مرکزی مطرح و به همراه دو عقد دیگر مباحه و استصناع در ماده ۹۸ قانون مزبور گنجانده شد. به دنبال آن بخشنامه‌ها و دستورالعمل اجرایی لازم نیز به تصویب رسید و در حال حاضر خرید دین یکی از ابزارهای مالی و منابع تأمین اعتبار به شمار می‌رود و بسیاری از عقود مبتنی بر دیون در قالب عقد مزبور منعقد می‌شوند موضوع اصلی خرید دین، دین است که می‌توان در حقوق بانکی آن را اعتبار نامید و معاملاتی از قبیل وام‌های بانکی، سود سپرده‌های بانکی، کارت‌های اعتباری، و... که نیز براساس ارائه اعتبار صورت می‌گیرد؛ از این قبیل دانست بنابراین هدف در این نوشتار، از یک سو بررسی جواز و ماهیت خرید دین به‌طور کلی و از سوی دیگر بیان اوصاف، شرایط، مصادیق و کاربرد آن

در نظام بانکی براساس مستندات قانونی جدید است. در مورد پیشینه پژوهش باید توجه داشت که به سبب آنکه مدت زیادی از زمان تصویب قانون و دستورالعمل مربوط به عقد خرید دین سپری نشده است، متون حقوقی در این زمینه بسیار کم است و پژوهش‌های موجود بیشتر حول محور جواز یا عدم جواز عقد خرید دین و در فروض مختلف آن است و تحلیل عقد خرید دین و کاربردهای آن در نظام بانکی مغفول مانده است (شیری، جمشید، ۱۳۹۲).

۱. مفهوم دین

حقوق دانان معمولاً منشأ تقسیم‌بندی اموال را تقسیم‌بندی بر مبنای حق می‌دانند؛ بدین ترتیب که ابتدا حق را به اعتبار ارزش مالی به حق مالی و غیرمالی تقسیم می‌کنند، سپس با یکسان دانستن حق مالی و مال به تقسیم حق مالی می‌پردازند؛ بنابراین برخی در تعریف دین گفته‌اند: «تکلیفی است که شخص نسبت به اجرای مفاد حق مالی در برابر صاحب آن پیدا می‌کند» (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۲۵۰). یکی از حقوق دانان عرب‌زبان نیز در تعریف دین می‌گوید: «لفظ دین در زبان عربی کلمه واحدی است که هم بر آنچه لفظ (creance) در زبان فرانسه بر آن دلالت دارد، اطلاق دارد و هم معادل با لفظ (dette) در آن زبان است. به بیان دیگر این کلمه هم بر طلب و هم بر دین دلالت دارد و لفظ دین، بر حق شخصی دائن بر مدیون که بر مبنای آن می‌تواند انجام‌دادن کاری یا خودداری از انجام عملی و یا انتقال مالی را از او مطالبه کند، تحمیل می‌شود. آنچه بیشتر از این لفظ معنا می‌گردد وجه نقد است» (بدوی، ۲۰۰۳: ۸۵).

برخی فقها درباره مال دانستن دین، اشکالاتی را مطرح کرده‌اند. از جمله اینکه دین، معدوم است و قابل ملکیت نیست؛ مال چیزی است که طبع انسان به آن تمایل دارد و در مواقع نیاز می‌تواند آن را ذخیره نماید؛ از این رو در تعریف دین گفته‌اند: «دین وصفی شرعی بر ذمه است که به ملکیت در نمی‌آید و کسی که سوگند یاد می‌کند مالی ندارد؛ درحالی که دینی بر ذمه شخصی دارد سوگند او صحیح است؛ زیرا دین مال نیست، بلکه وصفی است بر ذمه که قبض آن متصور نیست» (عتیقی، ۱۴۱۹: ۲۸۹).

بعضی فقهای امامیه البته دین را مال حقیقی دانسته و معتقدند: «ملکیت عرض خارجی نیست، بلکه از اعتبارات عقلانیه است و بنابراین مانعی از اعتبار کردن آن در یک موضوع اعتباری دیگر وجود ندارد. دین یا کلی در ذمه، معدوم مطلق نیست، بلکه موجود به وجود اعتباری است و این

موجود اعتباری گاهی در ذمه و گاهی در خارج از ذمه اعتبار می‌شود و با این وصف و داشتن موجودیتی اعتباری، عقلاً آن را ملک و مملوک لحاظ می‌کنند» (موسوی خمینی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۱۷-۱۸). در حقوق غرب نیز، ذمه به محل التزام انسانی اطلاق می‌شود و در همین راستا بعضی فقها ذمه را محل ضمان و وجوب می‌دانند (ثابت، ۱۳۸۱: ۱۵۸). در کنار فقها، حقوق دانان نیز دین را مشمول عنوان مال قرار داده‌اند و معتقدند: «مال در اصطلاح حقوقی به چیزی گفته می‌شود که بتواند مورد دادوستد قرار گیرد و از نظر اقتصادی ارزش مبادله را داشته باشد» (امامی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۱۹). یکی از حقوق دانان آلمانی در این زمینه می‌گوید: «در تجارت حقوقی عصر نوین، تعهد همان نقشی را ایفا می‌کند که عین در تجارت حقوقی مصر قدیم دارا بوده است» (Brown, 1991: 155)؛ بنابراین با توجه به مفهوم گسترده مال در حقوق کنونی، دین نیز در زمره اموال قرار دارد.

۱-۲. تعریف عقد خرید دین

در کتب فقهی، تعریفی برای خرید دین ارائه نشده است، اما با دقت در متون فقهی و حقوقی می‌توان تعریفی جامع از خرید دین ارائه کرد. یعنی خرید دین، قراردادی است که به موجب آن دین مدت‌دار بدهکار به کمتر از مبلغ اسمی آن، به صورت نقدی از او خریداری می‌شود؛ این خرید می‌تواند از سوی مدیون یا شخص ثالث صورت بگیرد. بنابراین طرفین قرارداد خرید دین عبارت‌اند از: یک طرف اصلی که همیشه دائن است و به‌مثابه انتقال‌دهنده و فروشنده دین مطرح است و طرف دیگر آنکه گاه مدیون و گاه شخص ثالث است و در صورت دوم، مدیون نقشی در قرارداد خرید دین ندارد و موضوع عقد نیز انتقال دین از دائن اصلی به دائن جدید است. از آنجا که دائن، خریدار دین را در واقع قائم‌مقام خویش قرار می‌دهد، تضمینات آن نیز به خریدار دین انتقال می‌یابد تا در صورت عدم وصول دین، خریدار بتواند از محل آن‌ها، طلب خود را وصول کند. با توجه به تعریف عقد خرید دین به عنوان قراردادی که به موجب آن دین مدت‌دار بدهکار به کمتر از مبلغ اسمی آن به صورت نقدی از وی خریداری می‌شود، به طور کلی ویژگی‌های عقد مزبور عبارت‌اند از: تملیکی، معوض، لازم و تبعی.

۱-۳. ماهیت حقوقی عقد خرید دین

در مورد ماهیت خرید دین، نظریه‌های متفاوتی مطرح شده است. از جمله به عنوان عقد بیع، یا قرارداد خصوصی نامعین و در نهایت قرارداد عقد معین.

۱-۳-۱. خرید دین به عنوان عقد بیع

با نگاهی به مباحث فقهی ملاحظه می‌شود همه فقها از عقد مزبور به مثابه (بیع‌الدین) یاد کرده‌اند (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۲: ۶۰). حال با توجه به ماده ۳۳۸ قانون مدنی، این پرسش مطرح می‌شود که آیا می‌توان خرید دین را از مصادیق بیع محسوب کرد؟ و آیا دینی که در عقد خرید دین معامله می‌شود با عینی که قانون‌گذار در تعریف بیع مدنظر دارد تناسبی دارد؟ در پاسخ به اشکالات وارده گفته شده است، چنانچه بیع دین به سبب عین نبودن صحیح نیست؛ پس بیع سلف که مبیع مال کلی در ذمه است نیز نباید صحیح باشد؛ درحالی که هیچ‌یک از فقها چنین چیزی را مطرح نکرده‌اند. از سوی دیگر، قصد فقها از تعریف بیع به تملیک عین در مقابل عوض معلوم آن است که اجاره را از تعریف مزبور خارج کنند و در نظر عقلا لازم نیست مبیع لزوماً عین باشد (داورزنی، ۱۳۸۹: ۵۹) از سوی دیگر، به نظر می‌رسد اغراض متعاملان نقشی در تعیین حقیقت معامله ندارد و آنچه ماهیت و حقیقت معامله را شکل می‌دهد، کیفیت انشاء و عنوانی است که انشا می‌شود لذا از نظر عرفی هرگاه یکی از متعاملان، مال خود را در مقابل عوض به دیگری تملیک کند، بایع شمرده می‌شود، هرچند به خصوصیت ثمن هم نیاز داشته باشد و غرض او به دست آوردن آن باشد. پس کسی که تملیک را پذیرفته است، مشتری به شمار می‌رود، اگرچه غرض او به دست آوردن خصوصیت مبیع نباشد و غرض او حفظ مالیت مالش باشد، به همین جهت بسیاری از فقیهان در تعریف بیع که ماهیت بیع را بیان می‌کند، این جهت را دریافت نکرده‌اند (موسوی، ۱۳۸۱: ۷۷).

اشکال دیگری که بر بیع بودن عقد خرید دین وارد شده این است که ملکیت از مقوله عرض است و عرض هم محتاج به محل است و کلی در ذمه چه قبل از عقد بیع، کلی باشد؛ مثل دین و چه بعد از آن کلی در ذمه بشود، وجودی ندارد تا محل ملکیت شود و معروض آن باشد (طباطبایی یزدی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۵۳-۵۱). در پاسخ به این اشکال نیز گفته شده است که این ایراد به فرض ثبوت، در کلی مشاع و کلی در معین هم وجود دارد؛ در کلی در معین آنچه در خارج موجود است افراد معینی هستند که قابل صدق بر کثیرین نیستند؛ بنابراین معقول نیست بگوییم کلی در معین موجود و مشخص است و تنها تفاوتی که بین کلی در معین و کلی در ذمه وجود دارد، تقیید کلی در معین است. از سوی دیگر، ملکیت از اغراض خارجی نیست، بلکه از اعتبارات عقلایی است (موسوی خمینی ۱۴۱۵، ج ۱: ۳۳).

۱-۳-۲. خرید دین به عنوان قرارداد خصوصی

چنانچه خرید دین را نوعی قرارداد خصوصی بدانیم، اشکال وارد به آن، این است که عقد خرید دین از زمان فقهای متقدم مطرح بوده و در مبحث مربوط به دین در تمامی کتب فقهی بخشی به خرید دین اختصاص داده شده است؛ بنابراین عقد خرید دین قراردادی نوپا نیست که بتوان آن را قراردادی خصوصی مشمول ماده ۱۰ قانون مدنی دانست.

۱-۳-۳. خرید دین به عنوان عقد معین

عقد خرید دین قبل از الحاق به ماده ۹۸ قانون برنامه پنجم توسعه، با توجه به شیوع استفاده از آن بیع تلقی می‌شد، لذا به نظر می‌رسد با توجه به درج آن در ماده ۹۸ می‌توان گفت از طرف قانون‌گذار به‌مثابه عقدی معین با شرایط، احکام و آثار خاصی در نظر گرفته شده است. با پذیرش این نظر، عقد خرید دین، عقدی معین است و دیگر به تطبیق ماهیت آن با سایر نهادهای حقوقی نیازی نیست.

۲. عقد خرید دین در حقوق موضوعه

به‌موجب بخشنامه الحاقی شماره ۱۶ به آیین‌نامه فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا، درخصوص عقد خرید دین، تعریف، شرایط و احکام آن نیز بیان شده است. از آنجا که انعقاد هر عقد به‌طور معمول مستلزم تحقق دو دسته شرایط ماهوی و شکلی است، به تفصیل به بررسی آن‌ها در عقد مزبور می‌پردازیم:

۲-۱. شرایط ماهوی عقد

ماده ۱۹۰ قانون مدنی، به ذکر شرایط صحت معاملات پرداخته است؛ بنابراین شرایط اساسی صحت معاملات در عقد خرید دین، تابع قواعد عمومی قراردادهاست، اما دستورالعمل اجرایی خرید دین در دو ماده ۳ و ۴ خود، حقیقی بودن دین را از شرایط انعقاد این عقد دانسته است. منظور از حقیقی بودن دین آن است که دینی که معامله می‌شود، به‌طور واقعی وجود داشته باشد و طلبکار در عالم واقع، دینی برعهده بدهکار داشته باشد. به نظر می‌رسد شرط لزوم حقیقی بودن دین از شرایط صحت عقد است؛ زیرا اگر واقعاً دینی وجود نداشته باشد، به‌دلیل نبود موضوع معامله، معامله مزبور باطل است.

۲-۲. شرایط شکلی و تشریفاتی عقد

منظور از شرایط شکلی و تشریفاتی، شرایطی است که قانون‌گذار به موجب آیین‌نامه و دستورالعمل اجرایی عقد خرید دین، رعایت آن‌ها را الزامی دانسته است. این موارد عبارتند از:

۲-۲-۱. نقدشوندگی دین و معتبر بودن متعهد

علاوه بر ماده ۴ دستورالعمل اجرایی که بانک‌ها را موظف نموده است قبل از خرید دین، از نقدشوندگی آن در سررسید اطمینان حاصل کنند، ماده ۵ دستورالعمل مقرر کرده (بانک‌ها مکلف‌اند قبل از خرید دین موضوع اسناد و اوراق تجاری، از معتبر بودن متعهد دین اطمینان حاصل کنند). منظور از نقدشوندگی و معتبر بودن متعهد آن است که بانک به پرداخت دین از طرف مدیون اطمینان حاصل کند؛ بنابراین برای رسیدن به این منظور می‌توان ترتیبی داد که قبل از معامله، بانک بتواند اطلاعاتی درباره وضعیت مالی متعهد تحصیل کند. در حقوق انگلستان نیز بانک‌ها، پیش از اینکه سند را از جهت تنزیل بپذیرند، به این نکته توجه می‌کنند که صادرکننده سند از اعتبار کافی برخوردار است یا خیر (MEGRAH, 1983: 283).

۲-۲-۲. مدت سررسید

قانون‌گذار حداکثر زمان پرداخت دین از سوی بدهکار را در عقد خرید دین، موضوع قانون الحاقی به قانون عملیات بانکی بدون ربا مشخص کرده است؛ درحالی که هیچ‌یک از فقها که به بحث خرید دین پرداخته‌اند، محدودیت زمانی برای پرداخت دین به خریدار قائل نشده‌اند. به موجب ماده ۶ دستورالعمل اجرایی «خرید دین موضوع اسناد و اوراق تجاری توسط بانک‌ها در صورتی مجاز است که سررسید این قبیل اسناد و اوراق تجاری از یک سال تجاوز نکند.» در هر حال بانک‌ها در موارد خاص و با موافقت هیئت‌مدیره خود، مجاز به خرید موضوع اسناد و اوراق تجاری با سررسید حداکثر تا دو سال هستند. با توجه به ماده مزبور، سررسید خرید دین اوراق تجاری نمی‌تواند بیش از دو سال باشد و دو سال نیز منوط به موارد خاص و در صورت موافقت هیئت‌مدیره بانک است؛ زیرا سررسیدهای طولانی‌مدت، علاوه بر تأثیر تورم بر موضوع، تغییر و تحولاتی را که در روند فعالیت‌های تجاری یک تاجر عارض می‌شود، در پی خواهند داشت.

۳. خرید دین در مقررات بانکی

به طور کلی وجوه تشابه خرید دین با برخی نهادهای حقوقی و بانکی قابل اشاره است که به شریح زیر تقسیم‌بندی می‌شوند:

۱-۳. مقایسه عقد خرید دین و نهاد تنزیل

در مبادلات بازرگانی میان اشخاص، اسناد تجاری به‌مثابه وسیله پرداخت و تأدیه ثمن می‌شود، اما صرف صدور [یا انتقال] اسناد تجاری به معنای پرداخت و تأدیه دین نیست، بلکه تا زمان وصول وجه اسناد، دین مدیون به قوت خود باقی خواهد ماند (کاتوزیان، ۱۳۸۳، ج ۴: ۲۷، شهیدی، ۱۳۷۴: ۹۵، اسکینی، ۱۳۸۴: ۷)؛ بنابراین اسناد تجاری حاکی از وجوه تعهدات نقدی هستند. از ویژگی‌های اسناد مذکور این است که وسیله‌ای برای کسب اعتبار دارنده سند محسوب می‌شوند (کاتبی، ۱۳۸۵: ۱۸۴؛ صقری، ۱۳۸۰: ۳۷)، در بازار خرید و فروش می‌شوند و حتی می‌توان وجه نقد مندرج در آن را با کسر مبلغی از آن زودتر از سررسید دریافت کرد که به اصطلاح کسبه و تجار تنزیل سند یا نزول نامیده می‌شود.

تنزیل کلمه‌ای عربی از ریشه نزل است و به معنای پایین آوردن، کاستن، کاهش دادن و کم کردن است. (بندر ریگی، ۱۳۷۵: ۱۹۱۳).

تنزیل با مفهوم عربی الخصم، انگلیسی (Discount) و فرانسوی (Escompte) مترادف است. با توجه به اینکه به موجب تنزیل، طلبکار با کسر مبلغی از میزان طلب، زودتر از موعد سررسید، طلب خود را دریافت می‌کند، می‌توان گفت مبنای تنزیل، تعجیل دیون مؤجل است که از نظر قانون مدنی امری پذیرفته شده است. به عقیده فقها نیز «وام مدت‌دار را می‌توان با رضایت طرفین با کم کردن مقداری از آن، تاریخ پرداختش را جلو انداخت؛ اما وام بدون تاریخ را نمی‌توان چنین کرد و نیز نمی‌توان با افزودن مبلغی مدت پرداخت را طولانی کرد» (موسوی خمینی، ج ۱: ۶۴۹).

اگرچه واژه تنزیل در مفهوم اصطلاحی در متون فقهی به چشم نمی‌خورد، با وجود این از تعریفی که از بیع دین در متون اسلامی ارائه شده است، برمی‌آید که بیع دین مفهومی است که ماهیت مشابهی به تنزیل دارد؛ زیرا در تنزیل نیز، دارندگان اسناد تجاری قبل از سررسید با مراجعه به بانک، طلب خود را نقداً و با مبلغی کمتر دریافت می‌کنند. مشابهت این دو مفهوم سبب شده

است که برخی این دو را دارای ماهیت یکسان بدانند. همچنین در صحت معامله تنزیل بر مبنای صحت بیع دین گفته‌اند: «جایز است که دین مؤجل مدت‌دار را با رضایت طرفین به مبلغ کمتری حال نمود. در حقیقت این همان چیزی است که در عصر حاضر به تنزیل اسناد و اوراق تجاری معروف است» (میرجلیلی، ۱۳۷۴: ۲۳۹-۲۳۸)؛ در حالی که بین تنزیل و بیع دین از جهات مختلف در عمل تفاوت‌هایی وجود دارد (ثابت، ۱۳۸۰: ۱۰۶-۱۰۵) که به نظر می‌رسد این تفاوت‌ها آن‌قدر اساسی نیستند که در حکم خرید دین و تنزیل اختلاف ایجاد کنند. اما روشن شدن حکم خرید دین پولی منوط به پاسخ‌دادن به پرسش‌های ذیل است:

۱. ماهیت پول چیست؟

۲. آیا پول در دنیای امروزی قابلیت خرید و فروش دارد؟

به نظر می‌رسد عنوان مال امری عرفی و عقلایی است؛ یعنی آنچه را که عرف و عقلا آثار مالیت بر آن مترتب نمایند، مال محسوب می‌شود. به بیان دیگر، مالیت پیدا کردن اشیا در نظر عرف به آن دلیل که عرف آن اشیا را مال بدانند یا ندانند؛ نیست، بلکه با توجه به کاربرد آن‌ها توسط عرف می‌توان مالیت آن‌ها را انتزاع کرد.^۱

با وجود پذیرش موضوع مالیت داشتن پول، برخی قائل به عدم امکان خرید و فروش پول هستند و معتقدند خرید و فروش پول در عالم خارج تحقق‌پذیر نیست و آنچه تحقق می‌یابد، عقد قرض است که لباس بیع بر آن می‌پوشانند، اما قول مشهور فقهای امامیه این است که چون اسکناس یا هر نوع پول اعتباری دیگر مثل فلوس و سکه‌های رایج که جنس آن‌ها از طلا و نقره نیست در معامله، شرط اساسی ربای معاملی یعنی وزنی یا کیلی را ندارد و به صورت شمارشی (عددی) است؛ پس در خرید و فروش آن‌ها با یکدیگر ربا جریان پیدا نمی‌کند؛ بنابراین از آنچه گفته شد، می‌توان استنباط کرد که مشروعیت خرید و فروش اسکناس مبتنی بر دو امر است؛ بدین ترتیب که حرمت ربای معاملی منحصر در اشیای مکمل و موزون باشد و خرید و فروش نسبه اسکناس در نظر عرف

۱. (می‌توان در تعریفی جامع و مانع ویژگی‌های مال را به شرح ذیل عنوان کرد: ۱- از نظر عرف و عقلا مورد حاجت باشد؛ ۲- از صفت کمیایی نسبی برخوردار باشد؛ قابل اختصاص باشد؛ حاکی نباشد (جمعی از مؤلفان، مجله فقه اهل بیت علیهم‌السلام، بی‌تا: ۱۴۶).

معامله محسوب شود نه قرض؛ از این رو با توجه به مباحث مذکور می‌توان اذعان داشت که تطبیق احکام خرید دین بر تنزیل اشکالی ندارد. کما اینکه رویه بانکی موجود نیز مقررات حاکم بر خرید دین را بر تنزیل اسناد تجاری و تنزیل اعتبارات اسنادی حاکم می‌داند. به تریبی که آیین‌نامه اجرایی (گشایش اعتبارات اسنادی اتکایی و تنزیل اعتبارات اسنادی صادراتی) مورخ ۲۳ آذر ۱۳۸۲ مصوب وزارت امور اقتصادی و دارایی و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، امکان تنزیل اعتبارات اسنادی را با رعایت شرایط مقرر ایجاد کرد. به موجب ماده ۱ بخش ب آیین‌نامه مزبور «بانک‌ها می‌توانند اسناد مدت‌دار اعتبارات اسنادی صادراتی و بروات ارزی مدت‌دار تعهدشده توسط خریدار و بانک خارجی را در چارچوب آیین‌نامه موقت تنزیل اسناد و اوراق تجاری (خرید دین) و مقررات اجرایی آن به همان ارزش تنزیل کرده و به صادرکننده پرداخت کنند.» از تاریخ ابلاغ بخشنامه، بانک‌های مختلف ضمن اعلام آمادگی خود، شرایط عمومی و اختصاصی آن را نیز تعیین کردند.

۲-۳. خرید دین مجدد

در دستورالعمل اجرایی عقد خرید دین، دو ماده به خرید دین مجدد اختصاص داده شده است؛ خرید دین مجدد از سوی بانک مرکزی و خرید دین مجدد توسط فروشنده (دائن).

۱-۲-۳. خرید دین مجدد از سوی بانک مرکزی

همان‌طور که بیان شد، یکی از منابع تأمین اعتبار بانک‌ها، تنزیل اسناد تجاری است. در بانکداری متعارف، بانک‌های تجاری تا سررسید صبر نمی‌کنند، بلکه اوراق تجاری مذکور را نزد بانک مرکزی تنزیل می‌کنند که به این عمل، تنزیل مجدد یا تنزیل اتکایی می‌گویند. در واقع بانک مرکزی با تنزیل مجدد اوراق تجاری، به نقدینگی و قدرت مالی بانک‌های تجاری می‌افزاید، در تنزیل مجدد این گونه نیست که واقعاً بانک تجاری، اسناد را پشت‌نویسی کند و به بانک مرکزی بفروشد و بانک مرکزی در سررسید سراغ بدهکار برود و در صورت وصول‌نشدن به بانک تجاری مراجعه کند. بلکه روش کار به این صورت است که شعبه مرکزی هر بانکی با گرفتن اطلاعات اسناد تنزیلی شعب خود، به بانک مرکزی اطلاع می‌دهد که به ارزش فلان مبلغ، اسناد تجاری تنزیلی در اختیار دارد و بانک مرکزی به اعتماد آن اسناد به بانک مذکور اعتباری اختصاص

می‌دهد که به آن تنزیل مجدد گفته می‌شود. واضح است ماهیت این عملیات قرض بوده و چنانچه بانک مرکزی تصمیم داشته باشد در قبال این قرض مبلغ بیشتری بگیرد، قرض با بهره و ربا خواهد بود، زیرا هیچ‌گونه خرید و فروش دینی در این جا صورت نمی‌گیرد. لذا به اعتقاد همه مراجع اشکال دارد و قابل عمل در نظام بانکی نیست (موسویان، ۱۳۸۰: ۷۹). این ابزار در بانکداری بدون ربا در قالب عقد خرید دین توجیه می‌شود؛ بدین ترتیب که بانک‌های تجاری، اسناد مشتریان خود را خریداری می‌کنند، سپس به مبلغ بیشتری به بانک مرکزی می‌فروشند و این همان بیع دین است.

۳-۲-۲. خرید دین مجدد از سوی فروشنده

به موجب ماده ۸ دستورالعمل اجرایی «در صورت تقاضای متقاضی، بانک‌ها می‌توانند اسناد و اوراق تجاری خریداری شده را به صورت نقدی به بانک به فروش برسانند؛ بنابراین یکی دیگر از راه‌های جبران ذخایر مالی بانک‌ها در مواقع ضرورت، خرید دین مجدد اسناد از سوی خود فروشنده است؛ بدین ترتیب که بانک، دینی را که خریده است دوباره به خود دائن می‌فروشد.

۴. شروط ضمن عقد در خرید دین

دستورالعمل اجرایی خرید دین به ذکر پاره‌ای از شروطی که طرفین عقد خرید دین می‌توانند آن‌ها را ضمن عقد قرار دهند، پرداخته است.

۴-۱. شرط تعهد فروشنده در صورت امتناع مدیون از پرداخت

مطابق ماده ۷ دستورالعمل اجرایی «بانک‌ها می‌توانند ضمن تنظیم قرارداد خرید دین، فروشنده دین را متعهد کنند که هرگاه مدیون در سررسید نسبت به پرداخت دین اقدام ننماید، وی متعهد به پرداخت آن باشد»، اما از آنجا که بعد از تحقق عقد خرید دین، فروشنده دین که دائن اصلی بوده است، اکنون یک شخص بیگانه است. یعنی در نتیجه عقد، طلب به خریدار منتقل شده و او دیگر در این رابطه، ثالث محسوب می‌شود، به نظر می‌رسد تعهد او به پرداخت دین در صورت عدم پرداخت از سوی مدیون را می‌توان براساس ضمان و ثقیه‌ای یا وکالت تحلیل کرد (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۳۴۰).

۴-۲. شرط دادن تضمین

ماده ۱۰ دستورالعمل اجرایی مقرر کرده است که «بانک‌ها می‌توانند هنگام انعقاد عقد خرید دین، جهت اطمینان از وصول دین موضوع اسناد و اوراق تجاری ارائه شده توسط متقاضی، مبادرت به اخذ تضامین لازم نمایند؛ بنابراین با توجه به ماده مذکور بانک‌ها می‌توانند در زمان انعقاد عقد از فروشنده، تضامین لازم را دریافت کنند. به نظر می‌رسد منظور از تضامین در متن ماده مزبور می‌تواند مطابق ماده ۲۴۱ ق.م.ضامن به معنای اخص کلمه و همچنین وثیقه باشد.

۴-۳. شرط بیمه کردن دین

مطابق ماده ۱۱ دستورالعمل اجرایی «بانک‌ها می‌توانند ترتیبی اتخاذ نمایند تا در صورت لزوم، مطالبات خود از این بابت را بیمه نمایند.» شیوه نگارش ماده بیانگر این است که شرط بیمه کردن دین در قلمرو قصد و توافق طرفین وارد نمی‌شود، بلکه بانک می‌تواند در صورت لزوم، مطالبات خویش را بابت قراردادهای خرید دین به هزینه خود بیمه کند؛ البته این بدان معنا نیست که طرفین نمی‌توانند توافق نمایند تا طرف دیگر عقد (فروشنده) دین را بیمه کند.

۵. پیشینه قانونی خرید دین در نظام بانکی ایران

بعد از طرح و اجرای بانکداری بدون ربا در ایران و بسیاری از کشورهای اسلامی، دانشمندان مسلمان به فکر طراحی ابزارهای مالی اسلامی نیز افتادند و توانستند با رعایت ضوابط و مقررات شرعی، انواعی از ابزارهای مالی را به نام صکوک طراحی کنند (موسویان، ۱۳۸۶: ۳۴۵)؛ بنابراین یکی از ابزارهای مالی مزبور در بانکداری بدون ربا، عقد خرید دین است که اولین مستند آن در نظام بانکی ایران، مصوبه چهارصد و هفتاد و یکمین جلسه مورخ ۲۶ آبان ۱۳۶۱ شورای محترم پول و اعتبار، با عنوان «آیین‌نامه موقت تنزیل» شامل نه ماده و یک تبصره است. این مصوبه همچنین در راستای تأمین نقدینگی کوتاه‌مدت واحدهای تولیدی، بازرگانی و خدماتی از طریق تنزیل اسناد و اوراق تجاری ناشی از دین واقعی بود که مشمول قانون عملیات بانکی بدون ربا قرار نگرفت و به سبب استفاده نادرست و ارائه اسناد صوری از سوی برخی متقاضیان، بانک مرکزی دستور توقف عملیات خرید دین را صادر کرد؛ البته باید توجه داشت که از اواخر سال ۱۳۸۱ استفاده از این ابزار بار دیگر از سوی بانک مرکزی مجاز اعلام شد، اما پس از آن مستند قانونی عقد خرید دین در

نظام بانکی ایران، دستورالعمل اجرایی (اعتبار در حساب جاری در قالب خرید دین)، مصوب هزار و شصت و هشتمین جلسه شورای محترم پول و اعتبار، مورخ ۴ شهریور ۱۳۸۵ مشتمل بر نه ماده است.

اعتبار در حساب جاری یا (اضافه برداشت) یکی از روش‌های تخصیص منابع در بانکداری متعارف و در واقع یکی از ابزارهای پرداخت وام در بانک‌هاست که به موجب آن وام‌گیرنده می‌تواند بیش از حد موجودی از حسابش برداشت کند که به حد اعتبار در حساب جاری یا حد اعتبار جاری مرسوم است (توتونچیان، ۱۳۷۵: ۷۶) و برای اولین بار در نیمه نخست قرن هجده از سوی بانک‌های اسکاتلندی آغاز و بعد از آن در بانک‌های لندن استفاده شد (موسویان و فدایی، ۱۳۹۲: ۱۱۷). در حقوق داخلی بالاخره پس از گذشت مدتی از ضرورت وجود قانونی درباره خرید دین که بیانگر جواز، شرایط و آثار آن باشد، به‌ویژه با توجه به رواج استفاده آن در جامعه پیشنهاد اضافه شدن عقد مزبور به همراه دو عقد دیگر مرابحه و استصناع، به برنامه پنجم توسعه از سوی بانک مرکزی مطرح و در ماده ۹۸ قانون برنامه پنجم توسعه گنجانده شد (موسویان و بازوکار، ۱۳۹۲: ۲۱۳)؛ بنابراین در حال حاضر با وجود مجوز قانونی مزبور در مورد عقد خرید دین، عقد مزبور بدون هرگونه شک و تردیدی به‌مثابه یکی از ابزارهای مناسب تأمین مالی کوتاه‌مدت در راستای تأمین اهداف بانکداری بدون ربا در نظام بانکی استفاده می‌شود. باید توجه داشت که قانون‌گذار در بخش سوم قانون ششم برنامه توسعه، ماده ۱۰ نیز به‌منظور گسترش و تعمیق نظام جامع تأمین مالی و ابزارهای آن مقرر کرده است که دولت مجاز است معادل کل بدهی‌های خود به اشخاص حقیقی و حقوقی را تا پایان اجرای قانون برنامه از طریق انتشار اوراق بهادار و با کسب رضایت طلبکاران تسویه کند. همان‌گونه که خواهیم گفت انتشار اوراق بهادار نیز یکی از مصادیق عقد خرید دین است.

۱-۵. انواع عقد خرید دین در نظام بانکی

با ورود خرید دین در حیطه قوانین موضوعه، به نظر می‌رسد می‌توان بسیاری از عقود مبتنی بر دیون را که بخش عمده‌ای از معاملات سیستم بانکی کشور را تشکیل می‌دهد و با برخی مشکلات از جمله مانع ربوی بودن مواجه است، در قالب عقد مزبور گنجانند و با شرایط و آثار آن منطبق کرد؛ بدین ترتیب بسیاری از مشکلات موجود را برطرف کرد.

۵-۱-۱. سپرده‌ها و وام‌های بانکی

در شرایط کنونی که نظام نقل و انتقال پول و سرمایه پیشرفت‌های فراوانی کرده است و نیازهای نامحدود جامعه اقتصادی، کارکردهای مختلف اقتصادی برای بانک‌ها و متقابلاً مشتریان دارد، مقتضای آن را دارد که اشخاص بتوانند با شرایط مختلف و به شیوه‌های گوناگون به یکدیگر وام بدهند. همچنین گرفتن سپرده‌های مشتریان از سوی بانک‌ها و شرط پرداخت سود معین به آن‌ها یکی از عمده‌ترین عملیات بانک‌هاست که در شرایط متعارف مصداق ربای قرضی و حرام تلقی می‌شود. گرچه معمولاً این اعمال را در قالب عقود اسلامی به‌ویژه مضاربه توجیه می‌کنند، ولی از دو جهت قابل ایراد است؛ بدین ترتیب که از سویی هم مشتری به دنبال گرفتن سود است و پرداخت نکردن همان مقدار سود از سوی بانک را نمی‌پذیرد و هم بانک درباره وام‌های بانکی به دنبال گرفتن سود است و دریافت نکردن سود از وام‌گیرنده را به سبب ورود ضرر به خود، نمی‌پذیرد. از سوی دیگر عامل در عقد مضاربه، اگر با چندین نفر به‌طور هم‌زمان عقد مضاربه منعقد کند، نمی‌تواند با پول همه آن‌ها مجموعاً معامله نماید و سود و زیان را میان همه آن‌ها تقسیم کند؛ هر چند عقد به صورت مطلق منعقد شده باشد (داورزنی، ۱۳۸۹: ۷۴؛ سلطانی، ۱۳۹۰: ۱۵۸)؛

بنابراین، جهت احراز رابطه حقوقی انواع وام‌ها و معاملات واگذاری وام به وام‌گیرنده و ماهیت حقوقی سود بانکی (قاسم‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۴-۱۳) به نظر می‌رسد بهترین راه‌حل، عقد خرید دین است. به این ترتیب بانک مبلغی را براساس عقد قرض به شخصی قرض می‌دهد و او هم به واسطه این قرض، مدیون بانک می‌شود. حال بانک این دین را به قیمت بیشتر به خود مدیون، اما به صورت مدت‌دار و به‌طور اقساطی می‌فروشد. در مورد سود متعلق به سپرده‌های بانکی نیز بانک در نتیجه سپرده‌گذاری اشخاص به ایشان مدیون شده و در قالب عقد خرید دین، دین خویش را به مبلغ بیشتر از آن‌ها خریداری می‌کند و به صورت اقساط به ایشان می‌پردازد. این دو قرارداد بر پایه خرید دین یکبار از مشتری و در وهله دوم از سوی بانک شکل می‌گیرد.

۵-۱-۲. کارت‌های اعتباری و بانکی

کارت‌های اعتباری در معنای خاص عبارت‌اند از کارتی که یک بانک یا نهاد پولی یا اعتباری صادر می‌کند و به دارنده آن امکان می‌دهد کالا یا خدمتی را بدون پرداخت وجه نقد و صرفاً با

ارائه کارت خریداری کند، سپس بهای آن را طی مدت‌زمان مشخصی به صادرکننده کارت بپردازد (فرهنگ، ۱۳۷۱: ۴۴۹). در صورت ناتوانی در پرداخت کامل صورت‌حساب در مهلت مقرر، در صورت تأیید صادرکننده کارت آن را به صورت اقساط پرداخت می‌کند و چنانچه تقاضای تسطیط نکند، بانک طی اخطاری اصل مبلغ بدهی را همراه با جریمه‌ای که به‌طور معمول خیلی بیشتر از بهره تسطیط است، از دارنده کارت می‌گیرد یا از طریق ضمانت‌نامه‌ها و وثیقه‌ها وصول می‌کند.

برخی کشورها با وضع قوانین و مقررات درباره کارت‌های اعتباری، ماهیت آن را به‌طور صریح بیان کرده‌اند و برخی کشورها مانند ایران با مغایردانستن آن با احکام اسلامی، استفاده از آن را حرام و معامله با آن را باطل اعلام کرده‌اند. در همین راستا عده‌ای درصدد توجیه ماهیت کارت‌های اعتباری با برخی عقود معین از قبیل عقد قرض، ضمان، وکالت، حواله و جعله، برآمده‌اند (زارع، ۱۳۸۸: ۸۸ به بعد)، اما به سبب وجوه افتراق میان ماهیت هر یک از عقود معین و قرارداد کارت‌های اعتباری، امکان انطباق قرارداد مزبور با هیچ یک از عقود معین مذکور وجود ندارد و لذا مخالفان به همین دلیل قرارداد مزبور را قراردادی نامعین دانسته‌اند. حال آنکه به نظر می‌رسد با وجود عقد خرید دین و مستندات قانونی آن می‌توان ماهیت قرارداد کارت‌های اعتباری را در قالب عقد خرید دین توجیه کرد.

با توجه به قوانین و مقررات مربوط به خرید دین به نظر می‌رسد می‌توان ماهیت قرارداد کارت‌های اعتباری را با عقد مزبور منطبق دانست؛ بدین ترتیب که بانک صادرکننده کارت اعتباری، قراردادی را با مراکز تجاری و خدماتی پذیرنده کارت منعقد می‌کند؛ مبنی بر اینکه هر مبلغی که دارندگان کارت به صورت نسیه مدت‌دار (برای مثال شش ماهه) خریداری کنند، بانک با نرخ تنزیل معینی (برای مثال ۱۰ درصد) بدهی آنان را به مبلغ کمتر خریداری نماید و وجه آن را نقد بپردازد. همچنین بانک قراردادی با دارندگان کارت منعقد می‌کند؛ مبنی بر اینکه آنان بتوانند با استفاده از کارت اعتباری و تسهیلات خرید دین بانک، کالاها و خدمات موردنیاز را به صورت نسیه مدت‌دار، از فروشگاه‌ها و مراکز خدماتی بخرند. بعد از خرید نیز می‌توانند بدهی خود را در فرصت تنفس یا به صورت قسطی بپردازند، یا در سررسید شش ماهه بپردازند و کل مبلغ اسمی بدهی را تسویه کنند (موسویان، ۱۳۸۳: ۵۴).

۵-۱-۳. معامله اوراق قرضه

یکی از مؤثرترین ابزارهای بانک مرکزی در کنترل حجم پول، عملیات بازار باز است. در این عملیات، بانک مرکزی اقدام به خرید و فروش اوراق قرضه صادرشده از جانب دولت یا مؤسسات معتبر غیردولتی می‌کند؛ از این رو عملیات بازار باز از دو بخش تشکیل می‌شود: انتشار اوراق و خرید و فروش آن‌ها. به این ترتیب که با صدور اوراق قرضه، خریدار اولیه آن، مبلغی معادل مبلغ اولیه آن به صادرکننده آن می‌پردازد؛ مشروط بر اینکه علاوه بر استرداد اصل آن در سررسید معین، درصد مشخصی هم به او پرداخت شود. در واقع، خریداران بعدی اوراق قرضه سند تعهد صادرکننده اوراق قرضه را از مالکان آن‌ها خریداری می‌کنند و از آنجا که ماهیت آن قرض با بهره است، مشمول ادله حرمت ربا قرار می‌گیرد. البته همه کسانی که صدور اوراق قرضه و خرید آن از سوی خریدار اولیه را در تمامی اقسام آن مشمول حرمت ادله ربا قرار داده و صحیح نمی‌دانند، معتقدند معاملات بازار ثانویه این اوراق می‌تواند براساس عقد خرید دین باشد (موسویان، ۱۳۸۶: ۲۹۱)؛ یعنی پس از صدور و خرید اوراق مزبور از سوی خریدار اولیه، این اوراق، اسناد دینی هستند که صاحبان آن‌ها در قالب عقد خرید دین به اشخاص دیگر انتقال می‌دهند؛ بنابراین با پذیرش این دیدگاه، تنها مشکل اوراق قرضه، ابزار مالی بانک‌ها، صدور و فروش آن به خریدار اولیه و به بیان دیگر معامله اولیه آن است که براساس قرض با بهره صورت می‌گیرد که در نظام بانکداری بدون ربا پذیرفته نیست. اما به نظر می‌رسد ماهیت صدور اوراق قرضه را نیز می‌توان در قالب عقد خرید دین توجیه کرد؛ بدین نحو که بانک‌ها و سایر صادرکنندگان اوراق قرضه، با صدور این اوراق- به صراحت ماده ۵۲ لایحه ق. ت- از اشخاص وام می‌گیرند و سپس اقدام به خرید بدهی خود از آن‌ها، با قیمت بیشتر می‌کنند و آن را در فواصل زمانی معین به شکل اقساط یا به صورت یکجا می‌پردازند. این امر از مصادیق عقد خرید دین از سوی مدیون است و در صورت انتقال اوراق مزبور به اشخاص ثالث از سوی صاحبان آن‌ها، خرید دین را اشخاص ثالث محقق می‌کنند.

نتیجه‌گیری

با توجه به مفهوم گسترده مال در حقوق کنونی، دین نیز در زمره اموال قرار دارد و به‌رغم نظرات متفاوتی که درباره حکم بیع دین وجود دارد؛ نظر مشهور مبنی بر جواز آن است. به طور

مشخص خرید دین قراردادی است که به موجب آن دین مدت‌دار بدهکار به کمتر از مبلغ اسمی آن به صورت نقدی از او خریداری می‌شود و این خرید می‌تواند از سوی مدیون یا شخص ثالث باشد و اثر آن انتقال مالکیت دین به همراه تضمینات آن به خریدار است؛ بنابراین در صورت وصول نشدن دین، خریدار می‌تواند از محل تضمینات موجود، طلب خود را وصول کند. بنابراین با توجه به تعریف مزبور می‌توان گفت ماهیت خرید دین، عقدی، تملیکی، معوض، لازم و تبعی است و با توجه به مستندات قانونی آن (ماده ۹۸ قانون برنامه پنجم توسعه، اصلاح آیین‌نامه فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا، بخشنامه و دستورالعمل اجرایی آن) که تعریف شرایط و آثار عقد مزبور را ذکر کرده، ماهیتاً در زمره عقود معین است و نیازی به تحلیل و توجیه آن در قالب عقود معین دیگر از قبیل بیع یا درج آن در زمره عقود نامعین و ماده ۱۰ قانون مدنی نیست.

در حال حاضر در کنار سایر عقود پیش‌بینی شده در قانون عملیات بانکی بدون ربا، یکی از منابع تأمین اعتبار و اعطای تسهیلات که امکان را فراهم کرده است تا بسیاری از عملیات بانکی که بخش عمده‌ای از معاملات بانکی را تشکیل می‌دهند، از قبیل قراردادهای اعتباری، سود سپرده‌ها و وام‌های بانکی، کارت‌های اعتباری و بانکی، تنزیل اعتبارات اسنادی و... در قالب عقد مزبور منعقد شوند؛ زیرا انعقاد هر یک از عملیات مزبور، جز در قالب خرید دین، گاه به سبب صوری بودن و گاه به سبب داشتن ماهیت ربای قرضی، باطل و مخالف موازین شرعی و قانونی در نظام بانکداری بدون رباست. حال آنکه انعقاد آن‌ها در قالب خرید دین، این امکان را ایجاد می‌کند که طرف دائن با فروش دین به شخص ثالث (بانک)، خود را از ماهیت قرض بودن این معاملات و مانع ربوی شدن معامله به سبب وصول مازاد رهایی بخشند؛ از این رو در حال حاضر می‌توان بسیاری از معاملات مبتنی بر دیون را بدون هیچ شک و تردید و بیم ناشی از ربوی شدن معامله براساس عقد خرید دین منعقد کرد.

کتاب نامه منابع و مآخذ

- اسکینی، ربیعا. (۱۳۸۴). حقوق تجارت (برات، سفته، قبض انبار، اسناد در وجه حامل و چک). چاپ نهم. تهران: انتشارات سمت.
- امامی، سید حسن. (۱۳۷۵). حقوق مدنی. ج ۱. چاپ هفدهم. تهران: انتشارات اسلامیة.
- بردبار، نعمت‌الله. (۱۳۸۳). بررسی فقهی و حقوقی چهار قرارداد بانکی (مضاربه، مشارکت مدنی، فروش اقساطی، بیع دین). مؤسسه آموزش عالی بانکداری.
- توتونچیان، ایرج. (۱۳۷۵). اقتصاد پول و بانکداری. تهران: پژوهشکده پولی و بانکی.
- ثابت، عبدالحمید. (۱۳۸۰). «نگاهی به مباحث فقهی و اقتصادی تنزیل». فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی. سال اول. شماره ۴. صص ۱۰۵-۱۲۰.
- ثابت، عبدالحمید. (۱۳۸۱). «موضوع‌شناسی بیع دین». مجله فقه اهل بیت. سال هشتم. شماره ۳۱. صص ۱۳۸-۲۰۸.
- جمعی از مؤلفان (بی تا). «مجله فقه اهل بیت علیهم السلام (فارسی)». ج ۱۶. قم: مؤسسه دایره‌المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.
- داورزنی، حسین؛ رضوی، سید محمد و ابراهیمی، سعید. (۱۳۸۹). «سپرده‌های بانکی با سود معین بر مبنای خرید دین». مجله فقه و حقوق اسلامی. شماره ۱. صص ۷۹-۹۹.
- زارع، علی و الفت پور، ثمر. (۱۳۸۸). «مطالعه تطبیقی ماهیت حقوقی کارت‌های اعتباری در نظام‌های حقوقی ایران و آمریکا». دانشنامه حقوق و سیاست. شماره ۱۲. صص ۷۴-۹۸.
- سلطانی، محمد. (۱۳۹۰). حقوق بانکی. چاپ اول. تهران: میزان.
- شهیدی، مهدی. (۱۳۷۴). سقوط تعهدات. چاپ چهارم. تهران: حقوق دان.
- شیری، جمشید. (۱۳۹۲). خرید دین در فقه و نظام بانکی ایران، (پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران).
- فرهنگ، منوچهر. (۱۳۷۱). فرهنگ بزرگ علوم اقتصادی. چاپ اول. تهران: نشر البرز.
- قاسم‌زاده، سید مرتضی. (۱۳۹۱). «ضرورت توجه به تعهدات پولی. اعتبارهای پولی و امور بانکی». فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی. دوره ۱۷. شماره ۶۰. صص ۱۱-۱۴.
- کاتبی، حسینقلی. (۱۳۸۵). حقوق تجارت. تهران: گنج دانش.
- صقری، محمد. (۱۳۸۰). حقوق بازرگانی اسناد، چاپ اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۳). قواعد عمومی قراردادها. ج ۴. چاپ چهارم. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۵). حقوق مدنی. عقود معین (۴). چاپ پنجم. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۵). مقدمه علم حقوق. چاپ پنجاهم. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- موسوی، سید باقر. (۱۳۸۱). «خرید و فروش دین (تنزیل)». فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی. سال دوم. شماره ۷. ۷۵-۸۸.
- میرجلیلی، سید حسین. (۱۳۷۴). بررسی و ارزیابی بانکداری بدون ربا در ایران. چاپ اول. تهران: معاونت امور

اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی.

- موسویان، سید عباس. (۱۳۸۰). «مشارکت مجدد جایگزین تنزیل مجدد». فصلنامه اقتصاد اسلامی. دوره اول. شماره ۳. صص ۷۵-۹۰.
- موسویان، سید عباس. (۱۳۸۳). «کارت‌های اعتباری در بانکداری بدون ربا». مجله اقتصاد اسلامی. سال چهارم. صص ۳۴-۷۴.
- موسویان، سید عباس. (۱۳۸۶). *انبارهای مالی اسلامی (صکوک)*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- موسویان، سید عباس و بازوکار. احسان. (۱۳۹۲). «بررسی فقهی حقوقی اوراق استصناع موازی». فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی. شماره ۶۳. صص ۲۰۷-۲۴۲.
- موسویان، سید عباس و فدایی واحد، میثم. (۱۳۹۲). «تأمین مالی اسلامی براساس اعتبار در حساب جاری بر مبنای عقد و کالت». *راهبرد مدیریت مالی*. سال اول. شماره ۳.
- بندر ریگی، محمد. (۱۳۷۵). *المنجد عربی*. ج ۲. چاپ اول. تهران: انتشارات ایران.
- بدوی، احمد زکی. (۲۰۰۳). *عجم المصطلحات القانونية*. چاپ دوم. قاهره: دارالکتب المصری.
- طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم. (۱۳۷۸). *حاشیه مکاسب*. ج ۱. چاپ اول. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- عتیقی، محمد کل. (۱۴۱۹). «بیع الدین صوره و احکامه دراسه مقارنه». علوم قرآن و حدیث. الشریعه و الدراسات الاسلامیه العدد ۳۵. ۲۸۳-۳۲۹.
- محقق حلی، نجم‌الدین، جعفر بن حسن، (۱۴۰۸). *شراعیع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*. ج ۲. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله (سال). *تحریر الوسیله*. ج ۱. کتاب دین. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله. (۱۴۱۵). *کتاب البیع*. مؤسسه النشر الاسلامیه. ج ۱. چاپ پنجم. قم.

(ب) منابع خارجی

- Brown, W. (1991). *Gcse law*. Seventh edition Tehran: Majd
- Megrah, Aryder (1983), *Bill of Exchange*. 25 edition. London: sweet and Maxwell.